

پاسخ ۹ صفحه‌ای مدیر «مرکز هنرهای نمایشی» به انتقادات



در اولین جلسه رسانه‌ای حسین پارسایی در سال ۸۷، مدیر مرکز هنرهای نمایشی در یک جزوه ۹ صفحه‌ای به سئوالات خبرنگاران که در طول سه ماهه اول سال که در خبرگزاری‌های و جراید پرسیده شده بود، پاسخ داد به گزارش خبرنگار فارس، متن کامل پاسخ ۹ صفحه‌ای «حسین پارسایی» به پرسش‌ها و انتقادات رسانه‌ها در فصل بهار ۱۳۸۷ به شرح زیر است:

****ابهام در حیات تئاتر شهرستان و وضعیت تئاتر در شهرستانها؟**

تئاتر شهرستان علی‌رغم سستی‌ها و کاستی‌ها به دلیل انتظارات و درخواست‌های معقول و مشارکت جمعی همیشه بستر مناسبی برای توسعه فراهم کرده است. مرکز هنرهای نمایشی بنابر وظایف، اهداف، برنامه‌ها و اولویت کاری خود، رویکرد جدی به تئاتر شهرستان داشته است.

برپایی کارگاه‌های آموزشی - تأکید بر اجرای عمومی - برگزاری جشنواره‌های منطقه‌ای و سراسری - ارتباط حرفه‌ای با تولیدکنندگان و اجرای نمایش‌های حرفه‌ای در سطح شهرستان - حمایت از اجرای نمایش‌های موفق شهرستانی در تهران و اعزام به خارج - برپایی جشن‌های اردیبهشت تئاتر و چهارفصل تئاتر و حمایت از درام‌نویسان شهرستانی و تولید ۱۲۰ نمایش در سراسر کشور - چاپ نمایشنامه‌های نویسندگان هر استان و بزرگداشت تئاتر استانها در تهران از جمله مواردی است که بخش اعظم آن در دو سال گذشته صورت پذیرفته و طرح‌های جدید تا پایان سال ۱۳۸۷ به وقوع خواهد پیوست.

مجموع این دستاوردها با حمایت‌های مادی و معنوی مرکز همواره گواه این ادعاست که علی‌رغم همه موانع - مشکلات و کمبود فضاهای نمایشی، حرکت تازه‌ای در تئاتر شهرستان آغاز شده است که من آن را وظیفه این مرکز و بسیار بدیهی می‌دانم. البته همه استانها یکسان نیستند و به تناسب حمایت‌های مادی و معنوی ادارات کل و امکانات در اختیارشان فعالیت می‌کنند.

امیدوارم سال ۸۷ فرصت بسیار مناسبی برای شکوفایی بیشتر و معرفی توانمندیهای تئاتر شهرستان باشد. برپایی با شکوه جشن‌های اردیبهشت تئاتر ایران و شور و نشاط در استانهای کشور نمونه بارزی است که تئاتر در شهرستان همچنان زنده است و به عنوان قلب تپنده تئاتر کشور می‌تپد.

****نامه سرگشاده برخی از هنرمندان و پاسخ مدیر مرکز هنرهای نمایشی؟**

نامه هنرمندان به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در خصوص تسریع و افزایش در پرداخت‌ها به وزیر محترم نگاشته شد و امیدوارم موجب توجه بیشتر ایشان و وزارت متبوع به تئاتر شود. اما ضمن احترام به تقاضای این افراد و تأیید و تأکید بر افزایش و اصلاح امور در پرداخت‌ها مواردی جهت اطلاع عرض می‌کنم.

این نامه توسط ۱۵۴ نفر از افراد به امضا رسیده است که تعدادی از آنان پس از انتشار از وجود و امضای چنین نامه‌هایی، اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و برخی دیگر اذعان می‌داشتند که این تقاضا شکل اعتراض نداشته و بیشتر یک درخواست صنفی برای تسریع در پرداخت‌ها و قبل از سال جدید بوده و این در شرایطی است که برخلاف محتوای نامه و همراهی این ۱۵۴ نفر، طراح و بانیان این حرکت مقصود دیگری داشتند و چند روزنامه هم تیترو دلخواه خودشان را زدند و به آن شکل اعتراض دادند که هر دو وجه برای من قابل پیش‌بینی بود.

همانطور که مستحضرید اعتبار تئاتر از سال ۱۳۸۳ از رقم ۲/۸۰۰ میلیارد تومان به ۷/۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۶ رسیده است و تا پایان سال ۱۳۸۶ و به تناسب اعتبار تئاتر تهران به ترتیب از سال ۱۳۸۳ از مبلغ ۴۵۰ (میلیون تومان) به ۱/۸۰۰ (میلیارد

تومان) در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته که به همین نسبت، دستمزدها تا ۳ برابر افزایش داشته است. برای اثبات این ادعا در صورت لزوم می‌توان مبلغ قراردادهای افراد شاخص در این فهرست (البته تعداد آنها زیاد نیست) را با افزایش ۳ برابری از ۸۳ تا ۸۶ منتشر کرد. سایر اسامی یا از فعالان تئاتر نبودند یا من نمی‌شناختم.

به هر صورت با انتشار این ارقام متوجه خواهید شد که همچنان کفه ترازوی تولیدات تئاتر تهران با افزایش ۳۰۰ درصدی سنگین‌تر از همه شهرستانهای ایران است. این در حالی است که هزینه تولید یک گروه متوسط در تهران برابر بودجه تئاتر یک سال در یک استان است. اما تعویق در پرداخت‌ها پذیرفتنی است و این تأخیر ذاتی، همچنان ما را هم آزرده کرده است.

**** رویکرد انتقادی جشن‌های بزرگداشت روز جهانی تئاتر؟**

به نظرم چند موضوع در گفتگوی این عزیزان و بیانیه‌های اصناف وجود داشت که از مناظر مختلف قابل بررسی است و صرفاً نمی‌توان آن را نقد و به طور فراقیبر قلمداد کرد. حتماً تصدیق می‌کنید که همه هنرمندان تهرانی عضو این اصناف نیستند و عده دیگری به صورت مستقل در حال فعالیت هستند. از طرفی تئاتر تهران، نماینده همه تئاتر ایران نیست. عدم توجه به گسترده تئاتر در سراسر کشور با ده‌ها هزار هنرمند، گاه موجب می‌شود اتفاقات نمادینی بیفتد که تأمل برانگیز است.

به عنوان مثال در زمان ۵ ماهه بازسازی تئاتر شهر که امر بسیاری ضروری و بدیهی بود همزمان با سایر تالارهای نمایشی تهران بیش از ۱۷۰ اجرای نمایش در تهران و ۴۰۰۰ اجرای عمومی در سراسر کشور بر صحنه‌های نمایش بودند. آیا به نظر شما چند ماهه بازسازی و به طبع تعطیلی تئاتر شهر احتیاج به سوگواری داشت؟ آیا تئاتری که حیات آن به چهار راه ولیعصر بستگی دارد محکوم به فنا نیست؟

**** آیا سانسور در تئاترهای ایرانی وجود دارد؟**

تعدادی از نمایش‌ها به خاطر کیفیت نازل اجرا مجوز می‌گیرند اما به خاطر حیثیت حرفه‌ای آن را سانسور تلقی می‌کنند. صادقانه سؤال می‌کنم اگر چنین است که مطرح می‌شود و در بیانیه‌های خود تصویری تلخ و سیاه از شرایط موجود جلوه می‌دهند. پس چطور سالانه بالغ بر ۱۲۰ نمایش در تهران به اجرا درمی‌آید و در فهرست این اجراها خودشان هم هستند. یا رویکرد هنرمندان به نمایشنامه‌های خارجی که صرفاً به موضوع سانسور آثار ایرانی بر نمی‌گردد و می‌تواند دلایل دیگری داشته باشد. چنانچه به موانع و مشکلات واقع‌بینانه نگاه شود متوجه خواهیم شد که بخش اعظم آن به همت خود اهالی تئاتر مرتفع خواهد شد.

نمونه دیگر در اقتصاد تئاتر؛ مادامی که گروه‌های نمایشی نتوانند در رشد، توسعه و سرنوشت اقتصادی خود حداقل شرکت را داشته باشند، چطور می‌توان انتظار داشت که دولت ضمن پرداخت هزینه‌های تولیدی، بدون کوچکترین بازگشت اقتصادی هر سال دستمزدها را افزایش دهد؟

یا تعطیلی کارگاه‌های ساخت و ساز دکور برپایه حدس و گمان اظهار نظر می‌کنند، در حالی که صرفاً طرح مسائلی از این دست به عنوان یک بحران حرفه‌ای و تعمیم آن به کلیت تئاتر، بدون در نظر گرفتن توفیقات و دست‌آوردهای نمایشی سایر افراد و مراکز در تهران و شهرستانها، همراه با اغراق و ناامیدی، ثمره‌ای جز سلب اعتماد نزد مدیران فرهنگی و سرخوردگی هنرمندان و یأس برای نسل جوان نخواهد داشت.

امیدوارم این رویکردها، در پی انتقادی یک‌جانبه نباشد و از درون هم خانواده تئاتر را متحول کند و هر روز شاهد بالندگی بیشتر آن باشیم.

**** آیا اولویت با نمایشنامه‌های ایرانی است؟**

این هم یکی دیگر از سوء تفاهم‌هایی است که بدون پیش‌فرض‌های لازم به عنوان یک فرضیه و در چند مصاحبه اعلام شده است.

این در حالی است که آمار سال ۸۶ با احتساب نمایش‌های اجرا شده در جشنواره بین‌المللی نشان می‌دهد که بالغ بر ۸۶ درصد آثار، نمایشنامه‌های ایرانی بوده‌اند و این سیاست در سال ۸۷ نیز اعمال خواهد شد. نمایشنامه‌های ایرانی نه تنها امیدوار به اجرا

هستند، بلکه در اولویت انتخاب تالارها است .

در شهرستان‌ها به ندرت نمایشنامه‌های خارجی اجرا می‌شوند و تالارهای نمایشی تهران به جز تالار سایه و چند نمایش در تالار اصلی تا پایان سال جاری نمایش‌های ایرانی را در جدول اجرای خود قرار داده‌اند .

مرکز هنرهای نمایشی بار دیگر اعلام می‌کند که هیچ محدودیت و یا سانسور برای اجرای نمایش‌های ایرانی وجود ندارد، مگر آنکه نویسنده نافی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی باشد که در این صورت، قبل از اینکه تماشاگر یا مراجع دیگر بخواهند واکنش نشان دهند، ترجیح می‌دهیم به وظایف اداری خود مل کنیم که البته این موضوع به بندرت اتفاق می‌افتد. نکته اینجاست که برخی هنرمندان معترض که گاه دغدغه خود را در مصاحبه‌هایشان اعلام می‌کنند همواره با نمایشنامه‌های ایرانی خود و با میل باطنی و بدون هیچ محدودیت و گلایه و با رضایت خاطر بر صحنه بوده‌اند. اما در مواجهه با مطبوعات، واقعیت را طور دیگری جلوه می‌دهند .

تعبیر من این است که ایشان بنابر پیش‌فرض‌های شخصی، قبل از نوشتن و گاه ارائه اثر خود، همه چیز را تمام شده تلقی می‌کنند و پای سانسور می‌نویسند .

همین هنرمندان با اعتقاد راسخ به فداست صحنه‌های نمایش، آثار ماندگاری آفریدند که محصول نبوغ و خلاقیت نمایشی آنان تلقی می‌شود، معدود افرادی هستند که کمی کار برایشان سخت شده است و موضوعات دیگری را که بی‌ارتباط به کیفیت اجرا نیست بهانه نوشتن و یا اجرای آثار خارجی قرار می‌دهند .

این در حالی است که برای اجرای نمایشنامه‌های خارجی و بدون هیچ تذکری، اجرا را با شرایط فرهنگی حاکم تطبیق می‌دهند. پس می‌توان همچنان خالق نمایشنامه‌های ایرانی بود و به ارزش‌های فرهنگی جامعه خود نیز همچین همیشه وفادار بود .

این هم بخشی از رسالت انسانی هنر تئاتر است که خوشبختانه در هنرمندان ما وجود دارد .

****آیا مدیریت در تئاتر کشور بر اساس روابط، ضوابط و قبیله‌ای است؟**

آیا به نظر شما این درست است که هر فردی که جواب منفی از سیستم اداری می‌شوند با حربه مصاحبه مطبوعاتی و صرفاً به استناد منافع شخصی خود آن سیستم را با واژه‌های دلخواه خود نقد کند؟ در حالی که اگر به درخواست وی، پاسخ مثبت داده شود همه چیز در نهایت، نظم و دقت و یک مدیریت سالم صورت پذیرفته است؟

مثل این است که فردی که در کنکور قبول نشده، بگوید وزارت علوم ضعف آموزشی دارد. در حوزه تئاتر چنین صورتی دارد. به عنوان مثال فرد اساساً صلاحیت هنری ندارد و یا در اولویت تولیدات این مرکز نیست اما برای درخواست خود ابتدا خواهش می‌کند، بعد اصرار و سپس تهدید و در نهایت و به قول خودشان به مصاحبه متوسل می‌شوند .

جالب اینجاست که قبل از مصاحبه تماس می‌گیرند و یک بار دیگر به قصد توافق طرح موضوع می‌کنند و سر آخر اذعان می‌دارند اگر مصاحبه کردیم ناراحت نشوید. غافل از اینکه مردم، هنرمندان و تاریخ قضاوت خواهند کرد .

این افراد در تهران چند گروه هستند :

۱- دوستان من که در گذشته در مسند قدرت بوده‌اند و برای جبران مافات و دلجویی از هنرمندان همه تصمیمات و اشتباهات خود را به دیگران نسبت می‌دهند و هر بار در مصاحبه‌ها و مقالات بلند بالا به تحلیل شرایط موجود می‌پردازند. من هم قضاوت را به وجدان‌های بیدار شما می‌سپرم. ایجاد شرایط کارمندی برای هنرمندان انجمن نمایش و مشکلات بعدی آن یکی از نمونه‌های آن است .

۲- افرادی که خود و گروهشان را، همه موجودیت تئاتر می‌دانند و حضور خود را حیات تئاتر و غیبت خود را فقدان یک سیستم مدیریتی درست و کارآمد می‌دانند به نظر می‌رسد بیشتر انتظار واهی دوستان، ناشی از یک تفکر قبیله‌ای است تا ساختار اداری تئاتر. بعضاً دوستان در مراجعه به من اذعان می‌دارند که ۲ یا ۳ سال است که نمایش به صحنه نبرده‌اند و بعد تعدادی از گروه‌های مستمر را مثال می‌زنند و با ذکر این نکته که آیا دیگر نبوت ما نشده است؟ مصرانه برای اجرای خود تلاش می‌کنند .

شما باشید حداکثر ۱۲۰ فرصت اجرا در سال را چگونه مدیریت می‌کنید؟ این در شرایطی است که همه خود را بهترین و در اولویت انتخاب می‌دانند. البته انتخاب نمایش‌ها براساس تعاریف و از سوی شورای انتخاب تالار، بهترین شیوه ممکن در حال حاضر است و بر همین اساس گروه‌های واجد شرایط و حرفه‌ای امکان حضور پیدا خواهند کرد.

۳- گروه سوم، منتقدان و هنرمندان هستند که شرایط ایده‌آل برای اجرای آنان فراهم نمی‌شود. نمایشنامه و یا تالار دلخواه، حق‌الزحمه مورد نظرشان و پرداخت به موقع دستمزدها و مواردی از این دست که باید گفت، فارغ از همه قواعد، بضاعت ما همین است.

۴- تعدادی از بازیگران که قصد دارند کارگردانی را تجربه کنند و یا گروه‌هایی که انشعاب پیدا می‌کنند و چند گروه می‌شوند و گروه‌های جوان که مدعی حضور در عرصه حرفه‌ای هستند، آنها هم خواهان توجه و امکانات حمایت مالی بیشتر و حضور در تالارهای حرفه‌ای هستند که نتیجه از پیش معلوم است. البته بخشی از ظرفیت تالارهای محراب، سنگلج، هنر و کارگاه نمایش به همین گروه‌ها تعلق پیدا کرده است؛ اما آیا پاسخگوی این همه تقاضا و توقعات آنان هست؟

****شفاف‌سازی بودجه، عقد قرارداد، پرداخت معوقه‌ها و تسویه حساب**

همیشه در امر بودجه در مرکز شفاف بودیم و ابتدای هر سال، برنامه‌های پیشنهاد شده و اعتبارات درخواستی خود را آشکار اعلام کردیم، اما گویا باز عده‌ای سؤال دارند- من مجموع نظرات این عزیزان را مطالعه و مواردی را برای روشن شدن افکار عمومی مطرح می‌کنم:

۱- اعتبارات تئاتر در سال ۸۶ حدود ۷/۶۰۰ (میلیارد تومان) (ابلاغ شد که بابت فعالیت‌های تئاتر کشور و نه فقط تولید در تهران در نظر گرفته شد و بارها گزارش آن و به تناسب هر فصل همراه با برنامه‌های انجام شده در اختیار همگان قرار گرفت. ای مبلغ ۲/۶۰۰ (میلیارد تومان) مربوط به هزینه‌های جاری، خرید، تعمیرات و حقوق پرسنل ستادی و تالارها است که بیشتر در جهت تولیدات نمایشی بوده است.

۲- در پایان هر سال ۷ تا ۱۰ درصد کاهش به اعتبارات ابلاغی وارد است که بر همین مبنای پرداخت تعدادی از اسناد نمایشی که سال مالی آنها ۸۷-۸۶ است و در قرارداد آنها قید شده است از محل اعتبارات سال جدید و به تدریج پرداخت خواهد شد.

بنابراین دستمزدهای معوقه و قراردادهای فصل اول (تا پایان خرداد) از اولین تخصیص دیر هنگام تسویه می‌شود.

۳- چند استثنا در پرداخت معوقه‌ها وجود دارد که پس از بررسی و رفع شبه و اختلاف، قرارداد جدید آنان تنظیم و در فهرست پرداخت‌ها است. قرارداد اکبر عبدی و پری صابری یکی از همین موارد است که از صبوری و مساعدت ایشان کمال تشکر را دارم و انشاءالله به زودی با ایشان تسویه خواهد شد.

۴- رقم بودجه در کتاب قانون برای سال ۸۷ حدود ۱۴/۶۰۰ (میلیارد تومان) در نظر گرفته شده است که در شرایط حاضر این اعتبار برابر ابلاغ بودجه از سوی دولت محترم ۸۰ درصد در نظر گرفته شده است که با در نظر گرفتن هزینه‌های پیش‌بینی (خدمات، پرسنل، خرید، تعمیرات و...) امسال افزایش چشمگیری نخواهیم داشت. مرکز هم به تناسب این ابلاغ برنامه‌ها و اعتبارات هر بخش را کاهش خواهد داد. به طور طبیعی هر مبلغی برای یک سال تئاتر ایران در نظر گرفته شود ۵۰ درصد آن برای تولیدات تهران و شهرستانهای کشور و به طور مساوی هزینه خواهد شد و باقی مانده آن صرف فعالیت‌های بین‌المللی، انتشارات و پژوهش، دفاتر نمایشی و جشنواره‌ها خواهد شد. که در پایان هر فصل، گزارش فعالیت‌ها با اولویت توجه به تئاتر شهرستان منتشر خواهد شد.

تالارهای نمایش برای گروه‌های نمایشی تهران و سایرین برای اجرای عمومی در شهرستان مؤظفند برگزیدگان جشنواره‌های مختلف را که با هماهنگی مرکز معرفی می‌شوند در فهرست برنامه‌های خود قرار دهند به همین منظور بخش چشم‌انداز در تئاتر فجر، برگزیدگان آئینی و سنتی، رضوی، کودک و عاشورایی و حتی آثار دانشجویی به عنوان تعهدات تالارها به حساب

می آیند و سایر کارگردانان متقاضی می‌بایست از طریق شورای انتخاب تالارها اقدام کنند که خوشبختانه از اسفندماه سال گذشته این نمایش‌ها و به تدریج تاکنون اجرا شده و یا خواهند شد .
متأسفانه گاه در مطبوعات با مصاحبه‌هایی مواجه می‌شویم که افراد اذعان می‌کنند ماه‌هاست در بلا تکلیفی به سر می‌برند و سرنوشت اجرای آنان مشخص نیست .

مرکز هنرهای نمایشی هیچ تقاضایی را به طور مستقیم دریافت نمی‌کند و کلیه مراحل اداری تولید و اجرا از سوی مدیران تالارهای نمایشی صورت می‌پذیرد. بنابراین هرگونه مصاحبه مبنی بر تعهد و یا قول اینجانب یا مرکز صحت ندارد .
**وضعیت ادامه بازسازی تئاتر شهر چه خواهد شد؟

اتمام پروژه بازسازی در تئاتر شهر به دلیل گستردگی و همزمانی با اجرای نمایش‌ها با سرعت کمتری در حال انجام است و بهره‌برداری از سیستم‌های خنک‌کننده و تکمیل تأسیسات برقی در اولویت کاری آنان است. خوشبختانه دفتر طرح عمرانی برای تسریع در کار از ابتدای خردادماه مشارکت بسیار موثری داشته است .
**وضعیت انجمن‌های نمایش قدیم و جدید چگونه خواهد شد؟

بارها گفته‌ام و باز هم تأکید می‌کنم که وزارت ارشاد بنابر بخشنامه‌های ابلاغی و دلایل بسیار که بارزترین آن جذب نیروی انسانی، اعم از کارمند یا هنرمند، خریدها، تعمیرات و... در سالیان گذشته بوده و از محل یارانه‌های فصل ۵ بوده است، از شهریورماه سال ۱۳۸۴ این کمک‌ها قطع شده و در شرایط حاضر رسیدگی به وضعیت هنرمندان این انجمن در دستور کار دفتر حقوقی قرار دارد و مرکز هنرهای نمایشی قادر به همکاری با این انجمن نیست؛ اما انجمن دیگر با عنوان هنرهای نمایشی در قالب مؤسسات فرهنگی و هنری و صرفاً با نیت توسعه هنرهای نمایشی در سراسر کشور تأسیس شده است که از ۱۵ تیرماه با افتتاح شعب خود در مراکز استانها رسماً کار خود را آغاز می‌کند. این مؤسسه در قالب یک تفاهم‌نامه و با مشارکت هنرمندان مجری کلیه طرح‌های نمایشی کشور خواهد بود. که مدیران مسئول آن گزارش کامل آن را تقدیم حضور خواهند کرد .

**چرایی فقدان تئاتر اجتماعی - اندیشه‌گری در تئاتر و جای خالی برخی هنرمندان؟
شما هنرمندان شاخصی را سراغ نخواهید داشت که در طول این چند سال، با احترام و افتخار از ایشان برای کار دعوت نشده باشد و اگر تعداد اندکی از آنها حضور پیدا نکردند، تمایلی به اجرا نداشتند .

دوم اینکه اندیشه‌گری در تئاتر با همه تنگ‌نظری‌ها و گاه مصالح موجود، دغدغه جریان حرفه‌ای در تئاتر است و طرح این موضوع در ارتباط با آثار نازل و غیر فرهنگی نباید به کلیت تئاتر نسبت داده شود. باز هم عرض می‌کنم آثار ماندگار و پرمخاطب سالهای اخیر از همین خصیصه برخوردار بودند و دست بر قضا، مشکل جدی ما در این حوزه‌ها یا برخورد سطحی و سلیقه‌ای است یا برخی آثار مقام نقد اجتماعی بدون هیچ پشتوانه فکری، باورهای مخاطب خود را نشان می‌روند که فاقد هرگونه دوراندیشی و ایجاد تفکر در مخاطب است و آن را تئاتر تفننی یا گیشه‌ای نام می‌برند. این دسته از آثار با تأمل بیشتری بررسی خواهند شد .

و اما تئاتر اجتماعی؟! برخلاف نظر برخی من همچنان معتقدم ما از تئاتر اجتماعی در اشکال مختلف بهره می‌بریم و فقدان آن بی‌معنی است. این موضوع را می‌شود در نویسندگان و حامیان مالی و یا دستگاه‌های نظارتی بررسی کرد. آنگاه متوجه خواهید شد این ما هستیم که از ظرفیت‌های اجتماعی مضامین با قابلیت‌های نمایشی محرومیم. بنابراین تئاتر اجتماعی داریم؛ اما بیشتر انتزاعی و یا آرمانخواهانه حقله انحصار مخاطب است که معمولاً نادیده گرفته می‌شود . در همین خصوص کارگردانان به نامی هستند که بارها مرکز مشوق حضور آنها با مضامین اجتماعی حتی با رویکردهای انتقادی بوده است، اما استقبال نشده است .
**چگونگی وضعیت قراردادهای نمایشی چگونه است؟

در فاصله زمانی هر دو هفته تا برگزاری جلسه شورای ساخت، گاه‌با توافق کارگردان و مدیریت تالار اجرای نمایش آغاز می‌شود و بعد از صورت جلسه ساخت، بلافاصله عقد قرارداد انجام می‌شود .

این قراردادها تا سال گذشته در مؤسسه توسعه هنرهای معاصر و از سال جدید در انجمن‌های هنرهای نمایشی ایران منعقد می‌شود .

روال به این شکل است که هر کارگردان برآورد اولیه خود را با مدیر تالار می‌دهد و مدیر تالار، ضمن توافق نسبی با کارگردان، مصوبه آن را در شورای ساخت اخذ می‌کند. صورت جلسه برای عقد قرارداد به انجمن هنرهای نمایشی ایران ارسال می‌شود و یک ماه قبل از اجرای عمومی با دریافت قسط اول که بیشتر بابت آماده‌سازی اجرا می‌باشد، مقدمات کار فراهم می‌شود. اما در چند مصاحبه خواندم که گروه (البته به اصرار خبرنگار محترم) گفته است که من توافق کردم؛ اما قرارداد کتبی ندارم و جالب توجه این است که بلافاصله با ما تماس می‌گیرند و می‌گویند من اینطور نگفتم. من خواهش می‌کنم کارگردانان محترم، حداقل دو ماه قبل از اجرا با ارائه برآورد و اطمینان از مبلغ قرارداد و عقد کتبی آن، تمرینات و به ضرورت اجرای خود را آغاز کنند که به دلیل ضیق وقت بدون قرارداد مجبور به اجرا نشوند تا در مصاحبه‌های خود اظهار نگرانی نکنند. هرچند که تا امروز توافق با شورای ساخت به منزله قرارداد بوده و من از این اعتماد متقابل هنرمندان سپاسگزارم.

تاریخ درج : ۸۷/۰۴/۰۱

شماره : ۱۳۳

منبع : خبرگزاری فارس